



# جرم اخلال در نظم عمومی

## در رویه دادگاهها

گروه پژوهش  
انتشارات چراغ دانش



### فهرست جزئی

۷	معرفی جرم اخلال در نظم عمومی
۲۵	اخلال در نظم عمومی در آرای دیوان عالی کشور
۸۱	اخلال در نظم عمومی در آرای دادگاهها
۱۳۵	اخلال در نظم عمومی در نشستهای قضائی
۱۴۹	اخلال در نظم عمومی در نظریه‌های مشورتی
۱۵۷	جرم اخلال در نظم عمومی در قوانین و مقررات

### فهرست جزئی

۷	معرفی جرم اخلال در نظم عمومی
۱۱	مبحث اول: ارکان جرم اخلال در نظم عمومی
۱۱	گفتار اول: عنصر قانونی جرم اخلال در نظم عمومی
۱۲	گفتار دوم: رکن مادی جرم اخلال در نظم عمومی
۱۶	گفتار سوم: عنصر معنوی
۱۷	مبحث سوم: مجازات جرم اخلال در نظم عمومی
۱۹	مبحث چهارم: احکام ویژه در خصوص جرم اخلال در نظم عمومی
۱۹	گفتار اول: شرکت در جرم اخلال در نظم عمومی
۱۹	گفتار دوم: معاونت در جرم اخلال در نظم عمومی
۱۹	گفتار سوم: شروع به جرم در جرم اخلال در نظم عمومی
۲۱	مبحث پنجم: تشریفات رسیدگی به جرم اخلال در نظم عمومی
۲۱	گفتار اول: صلاحیت مراجع رسیدگی کننده
۲۱	گفتار دوم: طریقه تقدیم شکوائیه و هزینه‌های قانونی آن:
۲۵	اخلال در نظم عمومی در آرای دیوان عالی کشور
۲۷	مبحث اول - آرای اصراری دیوان عالی کشور
۲۷	۱. تعهد به گرفتن شناسنامه خلاف نظم عمومی نیست.
۳۱	مبحث دوم: آرای شعب دیوان عالی کشور
۳۱	۱. ضرورت قطعیت حکم براءت علیه مفتتری علیه
۳۶	۲. اخلال در نظم عمومی و اجرای مجازات حبس
۴۷	۳. تعدد معنوی قدرت‌نمایی با چاقو و اخلال در نظم عمومی
۴۹	۴. لزوم اعراض مسلم شاکی از دیه برای عدم محکومیت متهم به آن

۵. عدم وجود بیم تجری برای ایراد ضرب و جرح متقابل ..... ۵۶
۶. عدم امکان تخفیف صرف یکی از مجازات‌ها ..... ۵۹
۷. محکومیت خارج از مفاد کیفرخواست ..... ۶۲
۸. نشر اکاذیب در فضای مجازی علیه فرماندار ..... ۶۷
۹. استناد به اظهارات گواهان فاقد شرایط شهادت شرعی به عنوان اماره در اتهام اخلال در نظم ..... ۷۶
۱۰. استفاده از قاعده قرعه در صورت وجود علم اجمالی بر ارتکاب جرم توسط یک نفر در اتهام اخلال در نظم عمومی ..... ۷۷
۱۱. عدم تسری سر و صدای ناشی از منازعه به اخلال در نظم عمومی ..... ۷۹
- اخلال در نظم عمومی در آرای دادگاه‌ها ..... ۸۱
- مبحث اول : آرای دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر ..... ۸۳
۱. ماهیت ریاست زوج بر خانواده و شرط تمکین زوجه ..... ۸۳
۲. تقاضای کیفر در کیفرخواست از جهت جنبه عمومی جرم ..... ۸۶
۳. نزاع دسته‌جمعی ..... ۹۰
۴. صدور حکم خارج از مفاد کیفرخواست ..... ۹۲
۵. عدم امکان تعیین مجازات از جهت جنبه عمومی جرم در صورت عدم درخواست آن در ..... ۹۵
۶. اخلال در نظم از طریق کبوترپرانی ..... ۹۸
۷. ایجاد سروصدا و درگیری در اداره دولتی ..... ۱۰۰
۸. درگیری در مرجع انتظامی با مأمورین بدون قصد اخلال در نظم عمومی ..... ۱۰۲
۹. تعدد مادی در ارتکاب اخلال در نظم عمومی، قدرت‌نمایی با چاقو و ضرب و جرح عمدی با چاقو ..... ۱۰۵
۱۰. قدرت‌نمایی با چاقو به عنوان مقدمه ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو ..... ۱۰۶
۱۱. اخلال در نظم، تخریب عمدی و ایراد ضرب و جرح ..... ۱۰۸
۱۲. زوال عنصر روانی ممانعت از حق با رضایت قبلی ..... ۱۱۱
۱۳. اخلال در نظم عمومی از طریق ایجاد درگیری و ایراد ضرب و جرح عمدی ..... ۱۱۴
۱۴. دادگاه صرفاً به جرائم مندرج در کیفرخواست رسیدگی می‌نماید. .... ۱۱۸
۱۵. اخلال در نظم عمومی ..... ۱۲۰
۱۶. جنبه عمومی ایراد جرح عمدی مادون از مصادیق ماده ۶۱۴ قانون مجازات ..... ۱۲۲
۱۷. چنانچه درگیری در منزل و بین خویشاوندان باشد فاقد جنبه عمومی است. .... ۱۲۴
۱۸. ایجاد سروصدا در دادگاه ..... ۱۲۵
۱۹. فرار از صحنه تصادف ..... ۱۲۶
۲۰. اخلال در نظم و آسایش عمومی و مشارکت در نزاع دسته‌جمعی ..... ۱۲۸
۲۱. نزاع دسته‌جمعی و اخلال در نظم عمومی ..... ۱۳۳

۱۳۵	.....	اخلال در نظم عمومی در نشست‌های قضائی
۱۳۷	.....	۱. عدم امکان سازش جهت عدم اجرای آرای کمیسیون ماده ۱۰۰
۱۴۹	.....	اخلال در نظم عمومی در نظریه‌های مشورتی
۱۵۱	.....	۱. غیر قابل گذشت بودن حبس مذکور در مواد ۹۱۹۰ قانون تعزیرات
۱۵۱	.....	۲. خیانت در امانت و بند ۵ تبصره ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری
۱۵۱	.....	۳. غیر قابل گذشت بودن معامله اموال مسروقه
۱۵۲	.....	۴. غیر قابل گذشت بودن خرید و فروش یا اخفاء اموال مسروقه
۱۵۲	.....	۵. غیر قابل گذشت بودن جرائم موضوع قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی
۱۵۲	.....	۶. غیر قابل گذشت بودن بزه تخلف از تعرفه نرخ حمل کالا و مسافر
۱۵۳	.....	۷. غیر قابل گذشت بودن توقیف غیرقانونی توسط مقامات و مأمورین
۱۵۳	.....	۸. تعقیب اشخاص موضوع ماده ۲۷ قانون مبارزه با مواد مخدر
۱۵۴	.....	۹. پاسخ به چند سؤال
۱۵۷	.....	جرم اخلال در نظم عمومی در قوانین و مقررات
۱۵۹	.....	قانون مجازات اسلامی



## فصل اول

# معرفی جرم اخلاص در نظم عمومی



«جرم» فعل یا ترک فعلی است که در نظم جامعه اختلال ایجاد نموده و جامعه را به واکنش واداشته است. یکی از جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، «جرم اخلال در نظم عمومی» است. هدف از جرم انگاری این جرم نیز حمایت از منافع عمومی جامعه و حفظ نظم جامعه می‌باشد. منتها از آنجایی که در قانون مجازات اسلامی، تعریف دقیق و مشخصی از این جرم به عمل نیامده و به‌عنوان جرم خاص معرفی نشده است و تنها مصادیقی از این جرم در مواد مختلف بیان شده است، باید تا جای امکان دایره آن را مضیق‌تر دانست؛ زیرا اصل بر این است که هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون‌گذار آن را ممنوع اعلام نموده باشد.

«اخلال» در لغت، خدشه وارد ساختن به نظم عمومی، نظمی که منافع عموم جامعه را در برمی‌گیرد، معنا شده است و نظم عمومی مفهومی مبهم دارد و حدود و مصادیق آن در قانون تعریف نشده است. یکی از اساتید حقوق کیفری، نظم عمومی را «احساس امنیت حاکم بر جامعه» تعریف نموده‌اند.<sup>۱</sup> باوجودی که این تعریف، تعیین محدوده نظم عمومی را به عرف می‌سپارد، به نظر تعریف مناسبی است. نظم عمومی همان احساس امنیتی است که افراد در جامعه می‌نمایند؛ بنابراین چنانچه عملی مانند سرقت یا ضرب و جرح در جامعه ایجاد احساس ناامنی یا ارباب نماید با واکنش جامعه روبرو خواهد شد. با توجه به اوصافی که برای نظم عمومی برشمردیم، مفهوم و معنای «جرم اخلال در نظم عمومی» نیز مشخص می‌گردد. البته قانون مجازات اسلامی در ماده‌ی ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) اخلال در نظم عمومی را بیان نموده است و مطابق این ماده: «هرکس با ایجاد هیاهو و جنجال و یا حرکات غیرمتعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال در نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار بازدارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

---

۱. علی آزمایش، سخنرانی در همایش «مفهوم نظم عمومی»، دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهبشتی، ۱۳۸۵.



بنابراین مصادیق رفتار مجرمانه جرم مذکور، بیان شده و شامل «هياهو» (سر و صدا و فریاد)، «جنجال» (هياهو و همهمه)، «حرکات غیرمتعارف» و «تعرض به افراد» (رفتار و گفتار منجر به آسیب روحی، جسمی و هتک حیثیت) می‌شود.

## مبحث اول: ارکان جرم اخلال در نظم عمومی

جهت وقوع هر جرمی، سه رکن لازم است:

۱. عنصر قانونی که از آن به عنوان مستندات مجرمانه تلقی شدن رفتار از نظر مقنن نام برده می‌شود.

۲. عنصر مادی، شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه.

۳. عنصر معنوی که رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد، فقدان هر کدام از این ارکان موجب عدم تحقق جرم می‌گردد مگر اینکه قانون‌گذار وجود آن رکن را ضروری نشناسد.

### گفتار اول: عنصر قانونی جرم اخلال در نظم عمومی

مطابق اصول حقوقی، هیچ عملی جرم محسوب نمی‌شود مگر اینکه از طرف قانون‌گذار، ممنوع به قید مجازات شده باشد، بنابراین هر عنوان مجرمانه باید قبلاً توسط قانون‌گذار اعلام شده باشد که برگرفته از قاعده فقهی «قبح عقاب بلا بیان» می‌باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لزوم قانونی بودن جرم را در اصل ۱۶۹ به رسمیت شناخته است. این اصل بیان می‌کند: «هیچ فعل یا ترک فعلی، به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.»

هرچند در قانون جرم اخلال در نظم عمومی به عنوان جرم خاص معرفی نشده است، منتها ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) را می‌توان رکن قانونی این جرم محسوب نمود: «هر کس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار بازدارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.» به علاوه می‌توان مواد ۶۱۷ و ۶۱۹ قانون مجازات (بخش تعزیرات) را نیز از مصادیق جرم اخلال در نظم عمومی به شمار آورد که بیان می‌دارند:

ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات): «هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات): «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

#### گفتار دوم: رکن مادی جرم اخلاق در نظم عمومی

برای اینکه رفتاری جرم باشد علاوه بر پیش‌بینی رفتار و اعمال مجازات آن در قانون باید عنصر مادی وجود داشته باشد تا جرم ظهور و نمود بیرونی پیدا کند زیرا اگر غیر از این باشد و صرف قصد مجرمانه را کافی برای پیدایش جرم بدانیم چه بسا افراد زیادی قابل مجازات باشند بنابراین صرف قصد مجرمانه، جرم نبوده و باید نمود خارجی داشته باشد چرا که با نمود خارجی پیدا کردن جامعه آسیب می‌بیند و این حق به جامعه داده می‌شود که برای جبران آسیب‌های وارده مرتکب را مجازات کند.

**بند اول - انواع اعمال مادی:** اعمال مادی شامل رفتار و در مواردی حالت است که به بیان مختصری از آن برای روشن شدن موضوع می‌پردازیم:

**الف) رفتار:** رفتار مجرمانه می‌تواند به شکل مثبت باشد (فعل) یا منفی (ترک فعل) در کنار این دو گروه اساسی گاه اعمالی باعث ایجاد جرم می‌شود که موسوم به فعل ناشی از ترک فعل هستند که به ترتیب به توضیح اختصاری هر کدام می‌پردازیم:

۱. رفتار مجرمانه مثبت (فعل): رفتار مجرمانه مثبت عبارت است از ارتکاب فعلی که قانون آن را منع کرده و مرتکب را مستحق مجازات شناخته است. فعل مجرمانه ممکن است به صورت گفتن یا نسبت دادن شفاهی، کتبی یا انجام دادن عملی باشد که قانون ارتکاب آن را با قید مجازات منع کرده است مثل توهین، افتراء، سرقت، هتک ناموس، قتل، جاسوسی و...

۲. رفتار مجرمانه منفی (ترک فعل): گاهی قانون‌گذار وظیفه و تکلیفی برای افراد معین کرده و در صورتی که اشخاص از انجام آن وظایف خودداری نمایند برای مرتکب مجازات در نظر گرفته است، مانند امتناع مقامات قضایی از انجام وظایف قانونی، امتناع از استرداد طفل سپرده شده و خودداری از پرداخت نفقه.

۳. فعل ناشی از ترک فعل: فعل ناشی از ترک فعل مربوط به موردی است که جرم انجام شده یا اقدام به ارتکاب فعل غیر قانونی در شرایطی است که مرتکب خود قانوناً مکلف به حفظ ارزش‌هایی چون جان و مال و آزادی دیگران باشد. اگرچه عده‌ای قائل‌اند که نمی‌توان برای این جرم مصداقی در حقوق ایران پیدا کرد اما برخی دیگر نمونه‌هایی برای آن ذکر کرده‌اند مثل رها کردن طفل یا فرد عاجز در محل خالی از سکنه، تسلیم نقشه‌ها یا اسرار دفاع ملی توسط مأمور به حفظ آن‌ها و ارتکاب قتل یا ضرب یا جرح ناشی از بی‌مبالاتی و عدم رعایت مقررات جزایی.

ب) حالت: گاه عنصر مادی جرم حالتی روانی نظیر اعتیاد به مواد مخدر یا دارو بارگی است که عارض شخص شده و او را در معرض تعقیب و مجازات قرار می‌دهد؛ گاه حالتی اجتماعی ناشی از شیوه زندگی و شیوه رفتار او چهره جرم به خود می‌گیرد، مانند ولگردی و گاهی نیز وضع کسی که در یکی از دسته‌ها و جمعیت‌هایی که هدف آن‌ها برهم زدن امنیت کشور است فقط عضویت دارد لباس جرم به وی می‌پوشاند.

**بند دوم - شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم:** علاوه بر شرایط عمومی برای تحقق هر جرم مقنن شرایط اختصاصی نیز حسب مورد برای هر جرم در نظر گرفته است که در صورت عدم وجود این شرایط یا عدم اثبات آن‌ها باید تحقق جرم یا تعقیب مجرم را منتفی بدانیم. مجالی است تا شرایط اختصاصی جرم «اخلال در نظم عمومی» مورد بررسی قرار گیرد.

**الف) مرتکب جرم:** مطابق ماده ۶۱۸ ق.م.ا (تعزیرات) مرتکب جرم اخلال در نظم عمومی هر شخص حقیقی می‌تواند باشد؛ زیرا در صدر ماده مذکور از واژه «هرکس» استفاده شده است.

**ب) موضوع جرم:** یعنی چیزی که رفتار مرتکب بر آن یا در آن یا نسبت به آن واقع می‌شود. موضوع یا مادی است که وجود فیزیکی دارد مانند سرقت مال یا معنوی که وجود ملموس قابل رؤیت ندارد؛ مانند مواد ۶۱۷ و ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) بدین ترتیب موضوع جرم ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) «امنیت و آسایش عمومی» و «کسب و کار افراد» است.

**ج) مجنی‌علیه جرم:** جرم اخلال در نظم عمومی جرمی است که مخل نظم و آرامش و آسایش عمومی می‌شود و مردم را از کسب و کار بازمی‌دارد؛ بنابراین جرم اخلال در نظم عمومی «مجنی‌علیه» به معنای خاص ندارد و هم‌چنین، با توجه به کلمه‌های «عمومی» و «مردم» که اسم جمع هستند و اشاره به بیش از یک نفر دارند؛ نمی‌توان هیاهو و جنجالی را که منجر به اخلال در آسایش یا مانع از کسب و کار یک نفر می‌شود را مشمول ماده قرار داد. با این حال، ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)، صرف ایجاد مزاحمت برای اطفال و زنان را موجب حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق دانسته است.

د) **وسيله جرم:** از ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) نتیجه می‌گیریم که مقنن تحقق جرم را منوط به وسیله خاصی نکرده است، این موضوع از عبارات: «هیاهو و جنجال، حرکات غیرمتعارف و تعرض به افراد» در ماده مذکور قابل استنباط است اما برعکس در ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) که موضوع آن «قدرت‌نمایی و اخاذی» می‌باشد قانون‌گذار اسلحه را به صورت انحصاری البته بدون توجه به نوع آن اعم از سرد و گرم<sup>۱</sup> یا شکاری و عادی مورد توجه قرار داده است. بدین ترتیب اگر قدرت‌نمایی به وسیله اسبابی غیر از اسلحه صورت گیرد مانند قدرت‌نمایی با اسیدپاشی، قدرت‌نمایی با بمب دستی مشمول شق اول ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی نبوده و مرتکب مطابق این ماده قابل مجازات نخواهد بود، لاجرم برای مجازات چنین شخصی باید به ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) که به صورت عام و کلی می‌باشد مراجعه کنیم.

و) **زمان و مکان:** گاهی زمان و مکان جرم در وقوع جرم مؤثر و گاهی عامل تشدید است در جرم اخلال در نظم عمومی زمان بی‌تأثیر می‌باشد ولی در مورد مکان موضوع ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) محل انتشار صدای ناهنجار و غیرعادی ممکن است کوچه، خیابان یا محل عمومی مثل اداره یا شرکت یا آپارتمان و خانه باشد ولی اعمال مذکور در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) باید در معابر و اماکن عمومی باشد در غیر این صورت از شمول این ماده خارج است، بنابراین در این ماده عنصر مکان قابل توجه و مؤثر است.

**بند سوم - نتیجه رفتار مادی:** با توجه به اینکه رفتار جرم اخلال در نظم عمومی شامل هیاهو، جنجال، حرکات غیرمتعارف یا تعرض به افراد می‌باشد؛ بنابراین جرم اخلال در

۲. ماده ۲ قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰: «مقصود از سلاح و مهمات

در این قانون انواع سلاح‌های گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیر گلوله‌زنی و مهمات مربوط به آنها است.»

نظم عمومی فقط به صورت فعل مثبت نمود پیدا می‌کند. همچنین جرم اخلال در نظم عمومی موضوع ماده ۶۱۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) جرمی است مقید؛ زیرا نتیجه اقدامات مرتکب باید باعث اخلال در نظم و امنیت عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد؛ اما برعکس جرم موضوع ماده ۶۱۷ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مطلق است؛ یعنی موفقیت فرد در اخاذی یا تهدید در این ماده شرط نیست و به صرف تظاهر و قدرت‌نمایی جرم واقع می‌شود.<sup>۱</sup>

### گفتار سوم: عنصر معنوی

علاوه بر عنصر قانونی مبتنی بر پیش‌بینی رفتار مجرمانه در قانون جزا و عنصر مادی جرم شامل وقوع عمل در خارج باید عمل مزبور از اراده مرتکب ناشی شده باشد. در واقع باید میان عمل و شخص عامل رابطه روانی یا رابطه ارادی موجود باشد که آن را عنصر معنوی می‌نامند. در تحقق عنصر معنوی یا روانی وجود دو عامل ضرورت دارد: اراده ارتکاب فعل (سوءنیت عام) و قصد مجرمانه (سوءنیت خاص).

**بند اول - سوءنیت عام:** یعنی قصد مرتکب نسبت به ارتکاب عمل به صورت عمدی.

**بند دوم - سوءنیت خاص:** یعنی مرتکب علاوه بر قصد نسبت به خود عمل، نتیجه خاصی را از آن عمل قصد کرده که در نظر قانون‌گذار برای تحقق جرم خاص، لازم است. در جرم اخلال در نظم عمومی نیاز به سوءنیت خاص نمی‌باشد؛ زیرا نوع رفتار و حرکات به‌گونه‌ای است که در عمل منجر به نتیجه؛ یعنی سلب آسایش عمومی می‌شود.

۳. ایرج گلدوزیان، *محصای قانون مجازات اسلامی*، تهران، ۱۳۹۴، ص ۵۶۹.